



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه نوزدهم - ۵ آبان ماه ۱۳۹۹

مرور اجمالی و «تکمیلی»
به «جلسات قبل»:

الرَّحْمَنُ (۱)

■ «رحمان»، «جامعترین صفت» برای «الله» است.

■ بارش «رحمتِ الهی»، «دائمی و بدون انقطاع» است.

■ «رحمتِ الهی»، برای تمام خلایق «یکسان و برابر» است.

پس رحمان، «ولد» ندارد و هیچ مخلوقی، «ژن برتر» نیست.

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

الرَّحْمَنُ (۱)

« تعلیمِ قرآن »، « آفرینشِ انسان » و « تعلیمِ بیان به او »،

« مهمترین جلوه‌های رحمتِ رحمانی » خداوند هستند.

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

الرَّحْمَنُ (۱)

« تعلیمِ قرآن و بیان » برای « انسان »، « مسئولیت آور » است،

لذا اگر او از « تعهداتِ الهی » خود « غافل » شود، می‌شود:

« كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. » (اعراف/۱۷۹)

الشمس والقمر بحسبان (۵)

درخشش و دمای خورشید و منعکس کنندگی ماه،

بر مبنای حساب (ی منظم و دقیق) است.

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

« ستاره و گیاه »، « سجده » می کنند و در خدمتند.

گیاه « بی ساقه » و گیاه « با ساقه »، سجده می کنند.

« نجم »، گیاهی زنده است که « ساقه ندارد. » (مثل: قرآن)

« شجر^{۱۰} »، گیاهی زنده است که « ساقه دارد. » (مثل: عترت)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

و «آسمان» (پاکی و خیر و خوبی و حق) را برافراشت
و اسباب «ارزیابی و ارتفاع سنج» را قرار داد.

« سماء » یعنی چه؟

« السَّمَاءُ » (آسمان) یعنی:

« بالا »، « جو اطراف زمین »،

« بالاترین مراتب وجود »،

« عالم ما فوق ماده »،

« مقام قرب و حضور »،

« تدبیر تمام امورِ جهان » از منظر قرآن،

از « آسمان » به « زمین » است:

يُدَبِّرُ الْأُمْرَ

مِنْ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ (سجده ۵)

از «**سماء**» و آسمان،
چه چیزهایی «**نازل**» می‌شود؟

۱- « آب پاک »:

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

۲- « آب پر برکت »:

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا

۳- « آب حیات بخش »:

وَيُنَزِّلُ^{۱۶} مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

۴- « آب پاک کننده »، « دور کننده وساوس شیطانی »
و « عامل همدلی » و « نهادینه کننده اقدامات »:

و يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

۱- لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ

۲- وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ

۳- وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ
۴- وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

۵- « سفره و طعامِ » آسمانی:

أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْنَا **مَائِدَةً** مِنَ السَّمَاءِ ،

۶- خداوند، « رسولان آسمانی » هم دارد:

لَنَنْزِلُنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ **مَلَكًا** **رَسُولًا**

✧ خداوند، « سپاهیان آسمانی » هم دارد:

يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

« پس از به شهادت رسیدن مؤمن آل فرعون، »

خداوند سپاه آسمانی برای بنی‌اسرائیل، اعزام فرمود:

وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ

۸- آسمان، « معجزاتِ مطیع کننده » هم دارد:

إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً

فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

۹- « تعالیم الهی و قوانین زندگی » هم آسمانی‌اند:

أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ ،

۱۰- « رزقِ خاصِ » انسان، از آسمان می بارد:

و يُنْزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا...

۱۱- « تعالیم الهی و قوانین زندگی » هم آسمانی اند:

أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ...

۱۶- پس « تمام سعادتِ بشر » در آسمان است:

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ

وَمَا تُوَعَدُونَ

(ذاریات/۲۲)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

پس « آسمانی » شدن « انسان »،
با « میزان و ارتفاع سنج » خاصی محاسبه می شود.

اولين « نهی » الھی:

أَلَا تَتُغَوُّوا فِي الْمِيزَانِ (۸)

« شما » نباید در « اسبابِ ارزیابی و میزان »

(به ناحق و غیر مجاز،) « تصرف و تجاوز » کنید.

(و حق و باطل را در امور مختلف زندگی به هم در نیامیزید.)

از اولیاء الهی نقل شده که فرمودند:

« **میزان** هر میزانی،

« **عقل** است: »

« **العقل، میزانُ الموازين.** »

« بيان » امير المؤمنين صلوات الله عليه:

فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ،

أَنَّهُمْ « مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ »، فَاشْتَرَوْهُ

وَ أَخَذُوهُمْ « بِأَبْطِلِ »، فَاقْتَدَوْهُ (نامه ۷۹)

پس همانا خداوند آنهایی را که قبل از شما بودند نابود کرد زیرا:

- ۱- مردم را از « حَقِّ » باز داشتند، آنها هم « حق را با دنیا » عوض کردند،
- ۲- دیگر آنکه مردم را به « باطل » کشاندند، آنها هم به باطل اقتدا کردند.

(به من گزارش شده) أَنَّهُ وَجَّهَ إِلَى الْمُؤَسِّمِ أَنَاسٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ

الْعُمَى الْقُلُوبِ، الصُّمُّ الْأَسْمَاعِ، الْكُمَةُ الْأَبْصَارِ

الَّذِينَ يَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ

وَ يُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ (نامه ۳۳)

مردمی از شام به حج روانه شده‌اند که قلبه‌هایشان کور و گوشه‌هایشان کر و نگاهشان نابینا است،
آن‌ها²⁹ که حق را به باطل می‌آمیزند و در نافرمانی خالق از مخلوق اطاعت می‌کنند،

اولين «أمر»
و دومين «نهي» الهی:

وَأَقِيمُوا **الْوَزْنَ** بِالْقِسْطِ

و با « قسط »، « وزن (هر چیزی) » را اقامه کنید

وَلَا تُخْسِرُوا **الْمِيزَانَ** (۹)

و به « لوازم میزان و ارزیابی »، « آسیب » نزنید.

وَالْأَرْضُ، وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)

و «زمین» را او

برای «مخلوق با شعور» قرار داد.

(تا با وارستگی از آن، آنرا «سکوی پرواز» خود قرار دهند.)

وَالْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)

فِيهَا:

۱- فَاكِهَةٍ،

۲- وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ، (۱۱)

۳- وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ،

۴- وَالرَّيْحَانُ، (۱۲)

و در آن: میوه و نخلها با خوشه‌های غلافدار
و دانه‌های پوست‌دار و گیاهان خوشبو هستند.

پس رحمان: ۱- قرآن را آموخت، ۲- انسان را آفرید،

۳- بیان را به او آموخت، ۴- سماء را بالا برد،

۵- میزان و «لوازم ارزیابی تقرّب به حق» را قرار داد،

۶- درباره «وزن»، یک أمر و دو نهی را فرمان داد،

۷- زمین و محصولاتش را برای هوشمندان قرار داد.

یک «پرسش» از جن و انس:

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳)

پس شما (جن و انس)

کدام یک از «آلاء» اربابتان را

«دروغ» می‌شمارید؟

« آلاء »

کدامند؟



« آلاء » در بیان أمير المؤمنين:

.... أَحْمَدُهُ عَلَى:

نِعَمِهِ التَّوَّامِ وَآلَائِهِ الْعِظَامِ

.... (خطبه/۱۹۱)

برای نعمتهای پی در پی و آلاء بزرگش، او را ستایش می‌کنم.

أَوْصِيَكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ بِتَقْوَى اللَّهِ

وَكَثْرَةِ حَمْدِهِ عَلَى:

آثَائِهِ إِلَيْكُمْ وَنِعْمَائِهِ عَلَيْكُمْ

... (خطبه ۱۸۸)

مردم؛ شما را به تقوا و سپاس فراوان برای:

«آلاء» او که به سمت شماست و نعمتهایش که بر شماست تاکید می‌کنم.

نکتہ اول:



پس قطعاً «آلاء»

«غیر از نعمتها» است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلِ الْحَمْدُ بِالنِّعَمِ وَ النُّعَمِ بِالشُّكْرِ

نَحْمَدُهُ عَلَى آثَائِهِ

كَمَا نَحْمَدُهُ عَلَى بَلَائِهِ...

(خطبه/۱۱۴)

ستایش برای خدایی است که سپاس را به نعمتها و نعمتها را به شکرگزاری پیوند داد
او را برای «آلاء» او همانگونه ستایش می‌کنیم که برای بلاهایش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي **جَعَلَ** **الْحَمْدَ**

مِفْتَاحاً لِدِكْرِهِ وَ سَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ

وَ **دَلِيلًا** عَلَى **آلَائِهِ** وَ **عَظَمَتِهِ**...

(خطبه ۱۵۷)

سپاس و ستایش برای خدایی است که حمد را کلید یادش،
و سبب فزونی فضلش و راهنمایی بر آلاء و بزرگیش قرار داد.

نکته دوم:



« **حمد** » الهی،

« **دلیل** » و « راهنمایِ » انسان،

به فهمِ « **آلاء** » الهی است.

« آلاء » در قرآن:

.... فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

(أعراف/٦٩)

... پس « آلاء » خدا را به یاد آورید تا رستگار شوید.

... فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

(أعراف/٧٤)

پس⁴⁸ « آلاء » خداوند را به یاد آورید و در زمین « فساد » نکنید.

در زیارتِ اَمینِ الله:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي:

۱- مُطْمَئِنَّةٌ بِقُدْرِكَ

۲- رَاضِيَةٌ بِقَضَائِكَ

۳- مُوَلَّعَةٌ بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ

۴- مُحِبَّةٌ لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ

۵- مَحْبُوبَةٌ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ

۶- صَابِرَةٌ عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ

۷- شَاكِرَةٌ لِفَوَاضِلِ نِعَمَائِكَ

۸- ذَاكِرَةٌ لِسَوَابِغِ آلائِكَ

الْزَمْنِيهِ فِي أَوْوَالِ السَّهْوِ

عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لَا تُنْجِيكَ...

(دعای عرفه صحیفه/۱۱۴)

وقتی جاهلان به « آلاء » تو در غفلت‌اند

مرا در حالات فراموشی، به شکر و سپاس خود ملتزم بدار.

وَإِقْرَارِي بِالْأَيْكِ مُعَدِّدًا

وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُخْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا

و اقرار من به « آلاء » فراوان تو

گر چه اقرار دارم به اینکه به خاطر بسیاری و فراوانیشان، آنها را نمی توانم بشمارم.

وَ اكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لِالْأَيْكِ ذَاكِرِينَ

و نام ما را جزء « شاكران (نعمتهايت) » و جزء « يادکنندگان آلاء ات » ثبت فرما.

نکته سوم:



انسان نسبت به « **آلاء** »،

باید « **ذاکر** » باشد و « **غافل** » نباشد.

و این « **ذاکر بودن به آلاء** »،

عاملِ « **رستگاری** » است.

« جمع بندی »

۱- « آلاء »،

جنبه « شخصی » ندارند،

بلکه « نعمت‌های خاصی » هستند که

« عموم » مردم با آنها مواجه می‌باشند.

فَمَتَّى تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي

وَتُجَازِي آلَاؤُكَ يَا مَوْلَايَ

چه زمانی می توان نعمتهای تو را شماره کرد، ای معبود من؟

و بر «آلاء» تو سپاسگزاری کرد، ای سرور و ولی من؟

(فرازی از یکی از زیارت‌های امام رضا صلوات الله علیه.)

۲- پس « آلاء »،

مظاهرِ لطف و « **عنايتِ عامِ الهی** »،

و ربطی به « **قابلیت** » گیرنده ندارد،

اما « **نعمت** » متناسب با لیاقت گیرنده است.

۲- مردم « **نعمت‌ها** » را

باید « **شُکر** » کنند و « **کفر** » نورزند،

اما « **آلاء** » مواردی هستند که در معرضِ

« **تردید** و **تکذیب** جن و انس » اند.

يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

وَ « **الْمِنِّ الْمُتَابِعَةِ** »

وَ « **الْإِلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ** »

ای دارای: قدرت همه جانبه و رحمت گسترده

و نعمتهای پیوسته و عطاهای مکرر ... (زیارت امام هادی صلوات الله علیه)

اللَّهُ أَكْبَرُ

أَهْلَ التَّكْبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّسْبِيحِ وَالْآلَاءِ

بزرگتری کردن، حق خداوند است

که شایسته بزرگی و تقدیس و تنزیه و آلاء است.

(مقدمات زیارت امام علی بن ابی طالب صلوات الله علیه.)

۴- پس « آلاء »،

مثلِ « باران »،

« پیوسته » و « آلاء » بودنش ثابت است،

اما « نعمت » ممکن است « نعمت » شود.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّك تَتَمَارَى؟

(نجم / ۵۵)

پس به کدامیک از «آلاء» خدایت تردید داری؟

۵- جنبه « آیه » بودنِ « آلاء »،

« أنقدر زیاد و روشن » است که

قابلِ « تردید » نیست.

اما ⁶³ « نعمت » بودنِ هر چیز قابلِ تردید است.



خدایا؛

ما را از « **شاکرین نعمتها** »

و « **ذاکرین آلاء** » خود قرار ده

و از هر **تردید** و **انکار** و **تکذیبی** حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجت خود سهیممان کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

